

تاریخ ارزشمند مختومقلی و دستنوشته هایش



ترجمه مختصر سخنرانی دکتر یوسف آزمون در دانشگاه کالیفرنیا، لس آنجلس و کنفرانس «لیک اروهد» درباره ی میراث فرهنگی آسیای مرکزی

مترجم: دکتر رحمت قاضیانی^۱

مدت زیادی نیست مختومقلی، که اشعار او در بین مردمان آسیای مرکزی به عنوان اشعار مقدس و آسمانی شناخته می شود، در ترکمنستان و اتحاد جماهیر شوروی سابق مورد توجه قرار گرفته است و آنرا مدیون چاپ مجموعه های آثارش به زبانهای ترکی، فرانسوی، فارسی و انگلیسی می باشد. نخستین ترجمه ی گزیده ی اشعار مختومقلی توسط وامبری کاشف و عالم مجارستان در سال ۱۸۷۹، تصویری اشتباهی از شاعر ترسیم نمود که عمدتاً ناشی از کاربرد نسخه ی ناقص از مختومقلی بود، این حقیقت که او زبان ترکمنی را بطور کامل نمی دانست، خود سبب اشتباهات زیادی در متن و ترجمه شده است. اشتباهات آن زمانی، که همان متن توسط آقای سید محسن فانی و حسین کاظم قدری مورد استناد قرار گرفت، مضاعف گردید. او در سال ۱۹۲۴ خوانندگان را به درک غیر واقعی از اشعار مختومقلی سوق داد.

الکساندر خود زکو در سال ۱۸۴۲ در اثرش به نام «نمونه هایی از اشعار ملی ایران» ضمن معرفی ترجمه ی «سه ترانه» از مختومقلی، خوانندگان را با بیان اینکه مختومقلی از طایفه «توکا» احتمالاً تکه ترکمن و فرزند یک راهزن بوده، گمراه می کند. در حالیکه حقیقت آنست که مختومقلی از طایفه گوکلان و فرزند یک شاعر و عالم بوده است.

در سال ۱۸۶۲ ب. برزین در توریسکایا فرستوماتیا، جلد دوم شعری با عنوان «هیچ بیلمز» چاپ نمود، بالاخره اولین مقاله درباره ی مختومقلی توسط باکولین- کنسول روسیه در آستراخان- به نگارش در آمد. اخبار و گزارش های واحد قفقاز انجمن جغرافیایی روسیه، جلد اول، ۱۸۷۲-۱۸۷۳ متن انگلیسی مقاله در مجله ی

^۱ این مقاله اولین بار در سایت "تورکمن کولتور اوجاگی- یوتوبوری/ گوتنبرگ" منتشر گردید. آگ

"پژوهش‌هایی درباره‌ی مکتومقلی جلد اول، ۱۹۹۷ صفحات ۱۸-۹" قابل مطالعه است. باکولین دست نوشته

ی

مجموعه‌ی اشعار مکتومقلی را از شخصی به نام «ملا دردی» گرفته بود. این دستنویس در بایگانی انجمن جغرافیایی، سنت پترزبورگ نگهداری می‌شود. ملا دردی فوق‌الذکر، به وامبری نسخه‌ی دستنویسی داده است که در کتابخانه‌ی مجموعه شعر، در فرهنگستان علوم مجارستان در بودا پست نگهداری می‌شود.

همانگونه که در ادبیات شرق آمده است. اشعار مکتومقلی در نسخ دستنویس عنوان ندارد. بردی کربابایف نویسنده معروف ترکمن، در سال ۱۹۲۶ متن حرف برگردان دیوان مکتومقلی را با حروف عربی چاپ نمود. بردی کربابایف در این مجموعه، با استفاده از کلمه یا کلمات قافیه مصراع دوم بند اول هر شعر عنوانی تعیین کرده است. بنابراین او برای اشعاری که چاپ کرده، عنوان برگزیده و اصول و قواعدی جهت تعیین عنوان برای اشعاری که بعداً باید چاپ شود وضع نموده است.

آرشیوها، اطلاعات بسیار کمی در مورد مکتومقلی ارائه می‌دهند آنچه درباره‌ی او میدانیم بیشتر از اشعار وی و از روایتها‌ی فراوانی است که توسط وا بستگان و خویشاوندان مکتومقلی که در اطراف قاری قالا زندگی می‌کنند بیان شده است. بهر تقدیر قره ایشان از نسل ششم قولچا برادر مکتومقلی در سال ۱۹۲۲ میلادی به سن ۵۳ سالگی در گذشت. او در شمال ایران می‌زیست و اطلاعات فراوان را در مورد مکتومقلی از طریق گفتگو با پیران و کهنسالان قبایل گوکلان فراهم آورد. او دستنویس‌های متعددی را گرد آورد یا رونویسی نمود. اطلاعات بدست آمده توسط وی با ارزش و قابل استناد تلقی شده است زیرا آن اطلاعات از منابع متعددی فراهم شده و او به شکلی آگاهانه آنها را شناسایی نموده است. تعدادی از دست‌نوشته‌های وی را به امانت گرفته و پس نداده‌اند، و هم‌چنین اطلاعات گردآوری شده‌ی وی را بدون ذکر نام مورد استفاده قرار داده‌اند. گفته شده که پسر وی به نام عبدالله - که نام برادر مکتومقلی را بر او نهاده‌اند - در تکاپوی یافتن دست‌نوشته‌های پدر می‌باشد. هیچ مدرک مکتوبی درباره‌ی تاریخ و محل تولد مکتومقلی وجود ندارد و کسی از زمان دقیق مرگ او اطلاع ندارد. در سال ۱۹۵۹ م و در ۲۵ مین سالگرد مرگ او تلاش شد سال ۱۷۳۳ م را بعنوان سال مرگ او اعلام نمایند. بهر صورت وقتی احمد درانی در سال ۱۷۴۷ م به حکومت افغانستان رسید، مکتومقلی قصیده‌ای در وصف او سرود، که با توجه به تاریخ دقیق تولدش در زمان آن قصیده می‌بایست ۱۴ ساله بوده باشد. کیفیت شعر و پیامی که در بر دارد نشانگر آن است که توسط شخص مسن تری سروده شده است.

ماتی کوسایف از پیشگامان مکتومقلی‌شناسی، در مورد او می‌گوید: می‌گویند که در تاریخ ۱۷۳۳ م متولد و در سال ۱۷۹۰ م وفات یافته است. «ادبیات تاریخی‌نگ کابیر مسئله لری»، عشق آباد ۱۹۶۳ م. پژوهشگران دیگر، تاریخ تولد او را ۱۷۳۳ م و تاریخ وفاتش را در سال ۱۷۸۲ م و در سن ۵۹ سالگی ذکر می‌کنند.

آخوندف گرگانلی، دیگر پژوهشگر ترکمن می گوید: مختومقلی در سال ۱۷۸۰م و در ۴۹ سالگی وفات یافته است. «ژورنال سویت ادیبائی، ۱۹۳۹م شماره ۹» برتلس سالهای ۱۷۳۳م و ۱۷۸۲م را به دست می دهد « مختومقلی مجموعه ی مقالات درباره ی مختومقلی عشق آباد ۱۹۶۰م» موارد بالا بیشتر متکی به اطلاعاتی است که در سال ۱۸۶۳م، وامبری از قزل آخوند کسب کرده است که گفته بود، مختومقلی ۸۰ سال پیش وفات یافته است. م. کوسایف و ب. قاریف پژوهشگر دیگر به مناظره ای (آیدیشما) بین مختومقلی و زنوبی شاعر کلاسیک ترکمن که در سال ۱۷۹۶-۱۷۹۷ صورت گرفته، اشاره نموده اند [اس. میرادف A Myradov) Sirlaring- Gummislanden (عشق آباد ۱۹۷۸م صفحه ۱۲] ماتی کوسایف در مورد اطلاعاتی که از کتابخانه ی آخوندف درباره ی نواده ی مختومقلی به نام آنا قربان نوشته است (باید نواده ی برادر مختومقلی باشد. چرا که شاعر، فرزندی نداشت. ضمناً این شخص که به نام آنا قربان شناخته می شد معلم پدر من در قزل آرواد بود. یوسف آزمون) در سال ۱۹۱۳م صدمین سال وفات مختومقلی را با صدقه دادن بر سر قبر مختومقلی معلوم نموده است. این موضوع توسط پروفسور آنا نیسفا، مورد شناخته شده ترکمن نیز مورد تأیید قرار گرفته است. در سال ۱۹۵۶-۵۷م هنگامی که او لیسانس خود را دریافت کرده بود متن نامه ی آنا قربان آخوند را که در سال ۱۹۱۳م به اداره ی فرمانداری قارری قالا نوشته شده بود، رویت نمود. فرماندار نامه را به عشق آباد ارجاع نموده بود. در این نامه آنا قربان آخوند اجازه سفر به ایران برای برگزاری یکصدمین سال رحلت مختومقلی را درخواست کرده بود. این سند در مرکز قدیمی آرشیو عشق آباد قرار داشت. آرشیو دولتی فعلاً در ساختمان دیگر مستقر است و احتمالاً کسی سند فوق را از آن زمان به بعد ندیده است. احتمالاً سند در جای نا مناسبی قرار داده شده است. بهر حال سده مورد نظر، چند سال زودتر یا دیرتر برگزار شده است. سایلاو میرادف، اشعار زیر را به عنوان دلیل سن زیاد مختومقلی تعبیر و تفسیر می کند.

"بیا ببین" در این ۸۰ سال چه کاری انجام داده ای؟ به [اوسا دا بللی مختومقلی سایلاتان اثر لر چاپ ترکمنستان جلد ۲ عشق آباد] و برای پیشبر زندگی منطقی و تمتع از آن من نیازمند زندگی ۸۰ ساله هستم [آد ایسلارین، همان اثر، جلد اول].

(مختومقلی در ترکمن ماغتیم غولی تلفظ می شود) به نام پدر بزرگش ماغتیم غولی (۱۶۵۴-۱۷۲۰) که سازنده زین اسب بود، ماغتیم غولی یوناچی نامیده شده است. او شاعر بود و برخی از اشعارش به زمان ما رسیده است فرزند او یعنی پدر مختومقلی، دولت محمد آزادی است، که او هم به نام پدر بزرگش به این نام، نامید شده است کلمه ی مختومقلی، از دو بخش تشکیل می شود «مختوم» کلمه عربی مخدوم به معنای کسی که به او خدمت می شود و «قلی» به معنای «خدمتگزار» بعبارتی ترجمه کلمه ی عربی عبدالله است. یعنی عبدالله «خادم» خدا است و ترجمه ی آن در ترکمنی «الله قلی» یا «خدا قلی» است. اینها نام مردان است (نامهای مردانه است) نوزادان پسری که در روز جمعه به دنیا می آیند، جما قلی (جمعه قلی) یا آنا قلی نامیده می شوند کلمه ی آنا از کلمه ی فارسی «آدینه» گرفته شده است. «قلی» را به عنوان یک پسوند می توان به اهر اسمی اضافه نمود. حتی اسامی اماکن، زیارتگاه ها و غیره. در قارری قالا مقبره ی یکی از اولیاء به نام مخدوم معظم قرار

دارد که یک شخصیت مذهبی قرن ۱۶ است. اعتقاد بر این است که نام مختومقلی با «مخدوم معظم» ارتباط دارد. مخدوم همچنین نام یک طایفه ترکمن است که همچون طایفه های آتا، شیخ و خوجه از تبار «عرب» می باشد. اجداد این طوایف را مروجین اصلی این اسلام در آسیای مرکزی می دانند. این طایفه ها در بافت قالی که سنتی ترکمن ها است. فعال نیستند و «گول» خاص خودشان را همانند تکه گول، يموت گول که مشخصه آن طایفه است ندارد.

گفته می شود که مختومقلی در حاجی قوشان، متولد شده است ولی خود شاعر می گوید: به کسانی که در مورد من پرسش می کنند، بگویند که من یک گرکز هستم اهل ترک هستم و نام من مختومقلی است. پدر او دولت محمد آزادی (۱۷۰۰-۱۷۶۵) شاعر و عالم بزرگی بوده و نویسنده تعدادی کتاب شعر شامل «وعظ آزاد» "بهشت نامه"، یک «مثنوی» بود. او تعداد زیادی رباعی و غزل سروده است او معلم و مرشد مختومقلی بود. پدر و پسر رابطه ی عالمانه و در عین حال صمیمی داشتند. مختومقلی در مدارس بسیار مهم آسیای مرکزی، نهایتاً در مدرسه ی شیر غازی خیوه تحصیل نمود. او از شیر غازی به منزل بازگشت. تدریس در روستا را آغاز نمود، به کار زرگری اشتغال ورزید. او توفیق ازدواج با «منگلی» را که دلداده اش بود نیافت. دو برادر بزرگش عبدالله و محمد صفا ناپدید شدند. بر اساس اطلاعات بدست آمده از یک منبع او با زن برادر (مفقودش) ازدواج نموده است. که البته چنین نبوده است چرا که اجساد برادرانش بدست نیامده است. اطلاعات زیادی در مورد زندگی زناشویی او وجود ندارد بجز آنکه فرزندانش در سنین اولیه وفات کردند. مراشی او در مورد فرزندانش و شعر طنز او در مورد ازدواج نشاتگر زندگی ناخوشایند شاعر است. [اویلنگین همان مأخذ، ص ۳۵] "اگر آرزو دارید که یک الاغ پیر باشید (شوید) بروید و ازدواج کنید". [از کتاب سروده های مرغزاران آسیای مرکزی Fam ۱۹۹۵ - ص ۸۷ ترجمه شد]. (همه اشعار از این کتاب ترجمه خواهند شد) از سوی دیگر وضعیت اسف بار مردی با دو همسر توصیف می شود و توصیه می گردد که عاقلانه و اندیشمندانه ازدواج کنید. «ای مختومقلی» نگذار این چنین فنا شویم، بهتر آنست که یک بار و با تعقل ازدواج کنیم.

زندگی تو برای یک نفر [فدای یک نفر] خدایا ما را ... دختر... محافظت نما...

مرثیه ی او در مورد پدرش و ناپدید شدن برادر بزرگش تصویرگر رنج شاعر است. از دست دادن پدر شاعر را از پا می اندازد. بیشتر از هر چیز دیگر، بخاطر صمیمیت روحانی. از زندگی فاجعه آمیز شخصی و خانوادگی در بحبوحه ی اختلافات قومی بین طوایف ترکمن که در قرن ۱۸ شدت پیدا کرده بود، رنج بسیار می برد. نبود اتحاد در بین قبایل پراکنده ی ترکمن آنها را به طعمه ای آسان برای حکام همسایه تبدیل کرده بود که به قلمرو ایشان حمله کرده و آنها را غارت می نمودند. ما از برخی از اشعار او درک می کنیم که مختومقلی به اسارت افتاده. شعری با عنوان "عالمه بلگیلیدر"، در نگاه اول شعری عاشقانه می نماید و برخی آن را شعر عاشقانه تفسیر می کنند. بهر حال همانطور که قره ایشان در مصاحبه ای در مورد مختومقلی بیان نموده، شاعر در مشهد

ایران اسیر شده بود و به غل و زنجیر بسته شده و قرار بود اعدام گردد. یکی از نوکران حاکم، ترکمن بوده است. او کمک می کند تا مختومقلی بگریزد.

(کل این مصاحبه در مجله ی، ژورنال پژوهش های مختومقلی چاپ خواهد شد)

قره ایشان ضمناً گفته است: زمانی روستای مختومقلی مورد حمله قرار می گیرد. دستنویس اشعار و کتابهایش را- که حاصل سالهای تلاش فداکارانه ی او بود- بر شتری بار می کنند. شتر در حین حمل اسباب و اشیاء و کتابهای مختومقلی می لغزد و کتابها به رودخانه ی اترک می افتند.

اینگونه بود که مختومقلی کتابهایش را از دست می دهد. این حادثه سبب شد شاعر رود اترک را خصم خویش بداند.

قایغی غامدا عزیز عمریم سولدیریپ شوم فلک عذابیم ریگان ایله دی

یازان کیتابلاریم سیله اکرپ گوزلاریم ایزیندا گریان ایله دی

مختومقلی که از حوادثی این چنین و عداوت موجود بین قبایل افسرده است، به این باور میرسد که تمام فلاکت ترکمن ها نتیجه ی جنگ بین اقوام، و عدم اتحاد است و شاعر در برخی از اشعارش بر ضد مرافعات تحلیل برنده ی اقوام هشدار میدهد. با درک خطر طایفه گرانی، اقوام را با ذکر نامه‌ایشان به اتحاد جهت تشکیل یک ملت فرا میخواند و بدینوسیله موضوعی سیاسی را برای نخستین بار وارد عرصه ادبیات ترکمن می کند.

تورکمن لار باغلاسا بریره بیلی قوریدار قلزمی، دریای نلی

تکه، یموت، گوکلانگ یازیز آل ایلی بر پادشاه قولاق اتساک باشیمیز

او درباره ی موضوعات مختلفی از جمله تصوف، مذهب، تغزل، اجتماع و میهن پرستی، طبیعت و غیره سروده است که باعث شده شعرش مطلوب طبقات گوناگون مردم ترکمن و دیگر اقوام شود. بنابراین برای ترکمن ها و مردم آسیای مرکزی، مختومقلی چیزی فراتر از یک شاعر است. او چنان مورد احترام بود که برخی او را در حد اولیاء و احتمالاً فرد مقدسی میدانند. این ویژگی باعث شده است که او، هم در زمان حیاتش شاعری ملی شود.

و.و. بارتولد شرق شناس بنام روس می نویسد. مختومقلی که گوکلان است شاعر ملی ترکمن هاست، شامل ترکمن های استاوروپل نیز می شود [سیوحینینا جلد ۲ سال ۱۹۶۸] ترکمن ها تنها قومی از ترکان هستند که شاعر ملی دارند. (همان جلد ۵ سال ۱۹۶۸)

در اشعار عرفانی، او به اهمیت «حق» و مفهوم «انسان کامل» تکیه می‌کند. از واژگانی چون «درد» و «سوختن» در این اشعار استفاده می‌شود چرا که در این اشعار، او از صوفیگری پیروی می‌کند. برخی از صوفیان، فلسفه‌ی زندگی خود را در شعر زیر متجلی می‌بینند: «خادم بودم، پخته شدم، سوختم»، او نمی‌تواند رنج و بی‌عدالتی را تحمل کند. نگاه به زندگی با توجه به اصول اخلاقی، بخشی از افکار و اندیشه‌ی او دربارہ انسانیت و عشق به مردم است. همین افکار و احساسات است که باعث می‌شود او موضعی آشتی‌ناپذیرانه در مقابل ظلم، فساد و بی‌عدالتی اتخاذ نماید. در اشعار زیر، او موقعیت و وضعیت فقر را نشان می‌دهد.

اگر مرد فقیری پای پیاده- که فقرش را نشان می‌دهد- در اجتماعات شرکت نماید، او را در جایگاهی حقیر می‌نشانند، اگر با اسب حضور یابد، اسبش را الاغ می‌خوانند.

ولی اگر مرد ثروتمندی سوار بر الاغ شود، الاغش را اسب می‌خوانند.

شعرهای مذهبی مختومقلی، تنها پس از پروستروویکا، در ترکمنستان به چاپ رسید. که فضایل اسلام و مؤمنین را در شعری مستحکم به نام «آرتسا گرک دیر» متجلی می‌سازد و در مرود روز رستاخیز و جهنم آگاهی می‌دهد که یادآور کتاب «کمدی الهی» دانته است.

همچنین او شعری در مورد ۱۲ امام دارد که سرودنش باعث آزادی او گردیده است. آن شعر امروزه با عنوان «ما را ببخش» معروف شده است.

این عنوان کتاب کوچکی بود که ... مختومقلی را داشت و در سال ۱۹۹۰ به چاپ رسید. آن کتاب توسط ب. جوتدیف و ا. مولک آمانف آماده چاپ شد. عنوان مذکور، به نظر می‌رسد که نوعی تقاضای بخشش دربارہ طرز تلقی دوره‌ی شوروی دربارہ‌ی این شاعر بوده است.

مختومقلی بطور صریح و ساده زبان روزمره‌ی ترکمن را - در زمانی که زبان ترکمن تحت تأثیر زبان جغتایی و زبان نوشتاری رسمی مرسوم در سرتاسر آسیای مرکزی قرار داشت، مورد استفاده قرار داد. او سد و مرز بین زبان ادبی قبل از خود و زبان عامه مردم را شکست و زبان ادبی قرن ۱۸ را تغییر داد و آن را در دسترس مردم عادی قرار داد. او حروف مصوت و بلند و حروف مصوت خیلی بلند کشار را بخوبی مورد استفاده قرار داد. که از ویژگی‌های زبان ترکمن است. بنابراین به اشعار حالت موسیقایی خاصی بخشید و آنها را تا حد محاوره‌ای مردم جاری و روان ساخت.

مختومقلی از فرهنگ عامه غنی ترکمن با مهارت فراوان استفاده کرد. او با پرهیز از زیاده‌گویی، عقایدش را با حداقل کلمات (ایجاز) بیان کرده است و از ضرب‌المثل‌ها و عناصر مردمی فرهنگ عامه، هر جا که لازم

بوده است، استفاده نموده است. بسیاری از آن اشعار، خود صورت ضرب المثل یافته اند و در بسیاری از موارد تشخیص اینکه آنها سروده مختومقلی هستند، یا ضرب المثل واقعی بسیار مشکل است.

سادگی و وضوح بیانات (سروده اش) در تصویر عقایدش نیز بسیار مؤثر است. اشعار سروده شده در قالب قوشوق های روشن و واضح با ریشه داشتن در فرهنگ عامه، باعث ایجاد اشعاری خوش آهنگ، که با موسیقی عامه هماهنگی خوبی دارد، باعث فهم ساده آنها و استفاده سهل و قوی از آن توسط خوانندگان مردمی ترکمن، یعنی «بخشی ها» شده است.

اشعار مختومقلی با الهام از خرد و عقل، ساده و در عین حال با کیفیت عالی، باعث شده که بیش از دو قرن، نه تنها افکار ترکمن ها، بلکه اندیشه های بیشتر ترکان ساکن در منطقه ی وسیعی از آسیای مرکزی تا منطقه ی قفقاز را تحت تأثیر قرار داده است.

دستنویس خود مختومقلی تاکنون به دست نیامده است، پیش از سیصد نسخه ی اشعار مختومقلی در انستیتوی نسخ خطی عشق آباد و بسیاری از مجموعه های شخصی بین ترکمن های ترکمنستان، ایران و افغانستان وجود دارد. نسخ خطی اشعار مختومقلی، در کتابخانه های تاشکند، سنت پترزبورگ، بوداپست، برلین، لندن و جاهای دیگر وجود دارد. از دستنویس های موجود در ترکمنستان، «ا. اشورف» حدود ۷۰۰ شعر را به مختومقلی نسبت داده است. (احتمالاً شامل اشعاری است که از باغشی ها جمع آوری شده و ۲۱۷ شعر منتسب به مختومقلی که در مجموعه ی قلیچ موللیف گرد آوری شده اند) «ماغتیم قولینینگ قول یازمالارینگ تصویری، علم، عشق آباد ۱۹۸۴ صایپا ۱۰»، هیچکدام از دستنویس ها پیش از ۳۰۰ شعر ندارد. با در نظر گرفتن اشتباهات فراوان در تلفظ کلمات در بیشتر دستنویس ها، و کاستی های آنها، تاکنون چاپ نسخه ای کامل و معتبر از مختومقلی مقدور نشده است. زیرا نسخه ی اصیل و اولیه ی دیوان او بدست نیامده است.

جدا از داستانهایی که درباره ی نابودی و سرقت دستنویس های مختومقلی وجود دارد در شماره ۷۳، سال ۱۹۰۴ روزنامه «ترکستان ودموستی» تاشکند، گزارشی توسط ا. بلیایف، با عنوان «یک دستنویس جالب» به چاپ رسید. در گزارش آمده است که در ابلاست ماوراء خزر نزدیک قارری قالا نزد ترکمن ها یک جلد بزرگ کتاب دستنویسی که توسط شاعر بزرگ قرن ۱۸ ترکمن، مختومقلی نوشته شده، نگهداری می شود. [ترجمه ی ترکمنی «مختومقلی» مجموعه مقالات آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی ترکمنستان، ۱۹۶۰، ص ۱۱۱] این نسخه در معرض دید «نمایش» قرار می گرفت و از آن رونوشت هایی تهیه می شد. از آن زمان به بعد اثری از آن نسخه نیست. درباره ی کتاب بسیار بزرگ «کلیات مختومقلی» نیز صحبت هایی موجود دارد (مجموعه آثار مختومقلی) در سال ۱۹۰۶ ملایی از اهالی مرو با سامویلوویچ درباره کلیات مختومقلی که خودش استنساخ نموده و در مانه نگهداری می شده است، صحبت نمود. کتابی که او رونویسی نمود توسط ملایی از طایفه ی آرساری به امانت گرفته شده و دیگر پس داده نشده بود. سامویلوویچ فرصت رفتن به مانه را پیدا

نکرده بود [زاپیسکی و وستوچنوگو، اوتلنیا امپراتور سکوگو، روسکوگو، آرخنولو گیچسکوگو اوبشچستوا، جلد ۱۹، کتاب ها، شنت پترسبورگ، ۱۹۱۰، ص ۹]. بسیاری از نسخ خطی در دوره ی شوروی که هر نوشته با خط عربی را کتاب دینی تصور می کردند. ناپدید یا نابود گشتند. بسیاری از مردم نسخ خود را به امید آینده چال کردند. صدها دستنویس ناپدید شد که احتمالاً در میان آنها نسخ خطی ارزشمندی از مختومقلی نیز می تواند وجود داشته باشد. ما از دو مکان در قارری قالا که دهها نسخه خطی مختومقلی توسط بستگان او قبل از ترک آنجا و عزیمت بسوی ایران در سال ۱۹۳۰ چال شده اند اطلاع داریم. ناپدید شده این دستنویس های فراوان، ضربه ای بسیار سختی به فرهنگ ترکمن و پژوهش های میراث فرهنگی مختومقلی وارد کرده است. تنها تعداد معدودی دستنویس می تواند، پایه ی پژوهش درباره ی اشعار باشد. برخی از کاتبان زمان، در حین تلاش برای تصحیح دستنویس ها، اشتباهات نگارشی مرتکب شده اند. بسیاری از دستنویس های اشعار مختومقلی، مجموعه اشعار سایر شعرا ترکمن را نیز شامل می شود. با مطالعه همه جانبه نسخ خطی می تواند آن نسخ را تصحیح نمود.

نوشتن کلمات یک زبان با خط زبانی دیگر ایجاد می کند. که در چاپ یکی از اشعار مختومقلی به وضوح مشخص است.

پیل هم دورار باغلاسا قیل بیله

« یعنی اگر قیل هم با مویی بسته شود، بی حرکت می ماند»

در اینجا کلمه «قیل» به معنای «مو» است که تلفظ اشتباه کلمه عربی «قل» به معنی زنجیر است. اگر کلمه «قیل» را «قل» بخوانیم شعر فوق مفهوم می یابد. مثال های زیادی از این نوع وجود دارد.

برخی افراد بویژه بخشی ها (خواننده های مردمی) برای اینکه مستمعین زیادتری داشته باشند بسیاری از اشعار و ترانه ها را غیر واقع، به مختومقلی نسبت داده اند. بسیاری از این نوع اشعار را می توان از روی ساختار شعری و موضوعاتش از شعر مختومقلی متمایز ساخت.

در شعری چنین آمده:

تانگرینینگ دوشمانی تاویق ساقلاقان اونینگ جایی جهنم دیر یارانلار (تکیز بولار یارانلار)

(مختومقلی شیغزلار، جلد ۲، چاپ ترکمنستان، عشق آباد ۱۹۹۴ ص ۲۲۲)

معنی شعر: شخصی که مرغ ننگه میدارد، دشمن خدا است و جای او در جهنم است ای برادران (ای خلیق) این شعر نمی تواند از آن مختومقلی باشد. انتساب چنین شعری به مختومقلی نادرست است و از ارزش مختومقلی می کاهد.

دستنویسی از اشعار مختومقلی به خط لاتین وجود دارد، قلیچ موللیف ۲۴ ساله در سالهای ۴۷- ۱۹۴۶ ادعا نمود که اشعار مختومقلی را از نسخه خطی او در بخارا یادداشت نموده است. این نسخه ی خطی علیرغم تلاش فراوان در سطح حزب (کمونیست) هرگز بدست نیامد.

قلیچ موللیف اشعاری را که از حفظ بود، در دستنویس نوشته است. آن نوشته امروز در انستیتوی نسخ خطی عشق آباد، در پرونده ی شماره ۱۱۲۳ نگهداری می شود. این اشعار که در ده ی ۱۹۴۰ گذاشته شده اند، بعداً در مجموعه اشعار مختومقلی بطور گسترده مورد استفاده قرار گرفته است. هیچکدام از این اشعار در نسخ خطی به خط عربی مختومقلی مشاهده نمی شود.

در ترکمنستان در مورد مطالب و موضوعات مربوط به مختومقلی، همیشه یک رویکرد رسمی وجود دارد که باعث سر درگمی در جنبه های مختلفی از پژوهش در اثر خلاقانه شعر می شود.

(متن کامل این سخنرانی، قرار است در خلاصه مقالات کنفرانس دانشگاه کالیفرنیا، لس آنجلس، درپاره ی میراث فرهنگی آسیای مرکزی، منعقد در اکتبر ۱۹۹۸ چاپ شود.)